

Article Type: Applied Article

نوع مقاله: پژوهش کاربردی

Resonance of Framings for Solving the Anzali Lagoon Sediment Problem with the Stakeholders Community

S. Tahmasebi^{1*}, M.J. Zahedi Mazandarani², S. Salehi³

1, 2- Instructor and Ph.D. Graduate in Sociology, Professor of Sociology, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran. 3 - Professor of Sociology, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

*(Corresponding Author Email: susantahmasebi@pnu.ac.ir)

Received: 26-06-2024

Revised: 20-08-2024

Accepted: 12-10-2024

Available Online: 05-03-2025

رزونانس چارچوب‌های حل مساله رسوبات تالاب انزلی با جامعه ذی نفع

سوسن طهماسبی^{۱*}، محمد جواد زاهدی مازندرانی^۲، صادق صالحی^۳

۱ و ۲- به ترتیب مربی و دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی، استاد جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. ۳- استاد جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

*(نویسنده‌ی مسئول، E-Mail: susantahmasebi@pnu.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۱

Abstract

To convince people of the existence of problematic environmental conditions, those conditions should be classified and a framework should be built to solve them. Framing is one of the paradigm approaches of social constructionism and includes a set of categories that are created by claimants to define a problem and its solutions. The key factor for the success of the framework is the concept of resonance. One of the important environmental issues in Giulan province is the problem of high sediments in the Anzali lagoon. Different frameworks were presented by the claimants to solve this problem. Among them, there is a plan for mechanical descaling by dredging and a plan for desalination with chemicals called the Biogeme project. The present research examines the degree of coordination of these frameworks with the target society. The qualitative method of thematic analysis has been used for the research. The research data is the result of in-depth semi-structured interviews with 30 environmental activists who are aware of the Anzali lagoon desalination projects. The results showed that the biogeme project was not approved by the stakeholders in the region for reasons such as ambiguity in it and lack of alignment with the interests of the people and policymakers, which led to its halting in the initial stages of implementation. The anti-biodredging movement and the belief in mechanical dredging gained more acceptance among the audience due to its alignment with the interests of the stakeholders and the emphasis on sustainable sedimentation methods.

Keywords: Framing, Resonance, Anzali Lagoon, Biogeme Project, Giulan Province.

چکیده

برای متقاعد کردن افراد جامعه به وجود شرایط مشکل‌زا محیط‌زیستی، باید آن شرایط نوع‌بندی شده و چارچوبی برای حل آنها ساخته شود. چارچوب‌بندی از رویکردهای پارادایم برساخت‌گرایی اجتماعی و شامل مجموعه مقولاتی است که برای تعریف یک مساله و راه‌حل‌های آن توسط مدعیان ساخته می‌شود. چارچوب‌ها کنش‌محور بوده و الهام‌بخش جنبش‌ها و کمپین‌های اجتماعی هستند. عامل کلیدی موفقیت چارچوب، مفهوم رزونانس است که به معنای هماهنگی چارچوب با شرایط زمینه‌ای جامعه است. یکی از مسائل محیط‌زیستی مهم در استان گیلان مساله رسوبات بالا در تالاب انزلی است. برای رفع این معضل، چارچوب‌های مختلفی توسط مدعیان ارائه شد. از جمله آنها طرح رسوب‌زدایی مکانیکی به روش لایروبی و طرح رسوب‌زدایی با مواد شیمیایی با نام پروژه بیوجمی است. در این پژوهش میزان هماهنگی این چارچوب‌ها با جامعه هدف بررسی شده است. از روش کیفی تحلیل مضمون برای پژوهش بهره گرفته شده است. داده‌های پژوهش، حاصل مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت‌یافته با ۳۰ نفر از فعالین محیط‌زیستی مطلع از پروژه‌های رسوب‌زدایی تالاب انزلی است. نتایج نشان داد پروژه بیوجمی به دلایلی چون وجود ابهام در آن و همچنین عدم همسویی با منافع مردم و سیاست‌گذاران، مورد تایید مخاطبین در منطقه قرار نگرفت که منجر به توقف آن در مراحل آغازین اجرا شد. جنبش ضدبیوجمی و اعتقاد به لایروبی مکانیکی به دلیل هم‌جهت بودن با مصالح ذی‌نفعان و تاکید بر روش‌های ماندگار رسوب‌زدایی، پذیرش بیشتری بین مخاطبین کسب کرد. **واژه‌های کلیدی:** چارچوب‌بندی، رزونانس، تالاب انزلی، پروژه بیوجمی، استان گیلان.

به دنبال کنش جمعی و مذاکره برای تغییر شرایط مشکل‌زا هستند. رهبران جنبش اجتماعی برای انتشار ایده‌های خود از چارچوب‌بندی استفاده می‌کنند و از این طریق مردم را برای دستیابی به یک هدف بسیج می‌کنند. چارچوب‌های کنش جمعی برای فشرده‌سازی و ساده‌سازی جهان بیرون، بسیج طرفداران بالقوه یک جنبش اجتماعی، جلب حمایت مخاطبان و تضعیف اثربخشی مخالفان به کار می‌روند (Snow و Benford، ۲۰۰۰). مناقشات محیط‌زیستی، مربوط به استراتژی‌های چارچوب‌بندی متفاوتی است که توسط گروه‌های مختلف استفاده می‌شود (Gray و Lewicki، ۲۰۰۳). چارچوب‌ها تفسیر منازعه‌کنندگان از این است که یک اختلاف در مورد چیست و چگونه باید حل و فصل شود. چارچوب‌ها بر موضوعاتی که به صورت برجسته در مناقشه نشان داده می‌شوند، تأثیر می‌گذارند و ترجیحات گروه‌های مختلف را برای برخورد با مشکلات محیط‌زیستی شکل می‌دهند (Gray، ۲۰۰۲).

یک عامل کلیدی در اثربخشی چارچوب، مفهوم رزونانس است. رزونانس با میزان هماهنگی چارچوب با شرایط زمینه‌ای جامعه، دینفعان درگیر و همچنین برجستگی نسبی عناصر تشکیل دهنده آن مرتبط است. هر چقدر ابعاد مختلف چارچوب ارائه شده نزدیکی بیشتری با فرهنگ جامعه محلی و برنامه‌ریزان داشته باشد، رزونانس بالاتری دارد (Benford و Snow، ۲۰۰۰). چارچوب‌های موفق با مضامین فرهنگی، باورها و جهان‌بینی جامعه که وجهه مشترک کل جامعه است، هماهنگ هستند (Poulsen و Jasper، ۱۹۹۵). چارچوب زمانی موفق خواهد بود که سیاست‌گذاران با مدعیان هم‌جهت شده و پیشنهاد آنها را در خط‌مشی یا قانون‌گذاری بگنجانند (Qiaoan، ۲۰۱۸). اینکه سیاست‌گذاران به یک چارچوب واکنش مثبت یا منفی نشان می‌دهند، بستگی به سطح رزونانس آن دارد که به همخوانی چارچوب با جامعه هدف و سطح سودمندی آن برای ذی‌نفعان وابسته است (McDonnell و همکاران، ۲۰۱۷). در صورتی که رهبران جنبش‌ها نمادهای فرهنگی رایج جامعه را در تاکتیک‌های عملی و استراتژی‌های چارچوب‌بندی خود بگنجانند، می‌توانند به رزونانس بالایی از طرف سیاست‌گذاران دست یابند (Saxonbe و Jacobsson، ۲۰۱۶). اگر در جنبش اجتماعی، بین فرهنگ موجود و چارچوب ارائه شده هماهنگی باشد، به پیروزی نزدیک می‌شود. زیرا جنبش‌های اجتماعی هم‌مصرف‌کننده معانی فرهنگی موجود و هم تولیدکننده معانی جدید هستند (Tarrow، ۱۹۹۲). موفقیت چارچوب‌های ارائه شده به درجه انطباق آنها با وضعیت زندگی و تجربه اعضای جنبش بستگی دارد. اگر با باورهای مخاطبان و تجربیات زندگی آنها سازگاری داشته باشند، به اهداف خود خواهند رسید (Snow و Benford، ۱۹۸۸).

افزایش تهدیدات محیط‌زیستی و به دنبال آن نگرانی افکار عمومی در جهان، زمینه پیدایش جنبش‌های اجتماعی در جهت حفاظت از محیط‌زیست را فراهم آورده (Mertig و Dunlap، ۱۹۹۱) و مناقشات مربوط به مسائل محیط‌زیست در حوزه‌های مختلف زندگی انسان را گسترش داده است (Crompton و Kasser، ۲۰۰۹). اما از آنجاکه در زمینه مسائل محیط‌زیستی، همچون دیگر مسائل اجتماعی اتفاق نظر وجود ندارد، انجام اقدامات موثر در این زمینه اغلب با بن‌بست مواجه می‌شود. «افراد با وجود توافقشان برای قرار دادن مشکلی در فهرست مسائل اجتماعی مهم، ممکن است نظرات مختلفی نسبت به آن داشته باشند» (لوزیک، ۱۳۹۸).

وقتی عبارت مسائل اجتماعی به کار برده می‌شود، از شرایط مشکل‌ساز برای بسیاری از مردم سخن گفته می‌شود. ادعاسازان برای متقاعد کردن مخاطبین بر وجود شرایط مشکل‌زا و نیازمند اقدام، باید آن شرایط را نوع‌بندی کرده و چارچوبی برای حل آن بسازند (Benford، ۱۹۹۳). چارچوب به چگونگی درک رقبای درگیر در مناقشات محیط‌زیستی، از مسائل و بحران‌ها مربوط می‌شود (Gray، ۱۹۹۷). چارچوب‌بندی از رویکردهای پارادایم برساخت‌گرایی اجتماعی بوده و بر فرآیندهای گفت‌وگویی متمرکز است که از طریق آن گروه‌های مختلف بر تفسیرهای خاصی از واقعیت تأکید می‌کنند و اقدامات مناسب برای آن پیشنهاد می‌دهند (Schon و Rein، ۱۹۹۴). مفهوم چارچوب در علوم اجتماعی رواج زیادی داشته و در مطالعه جنبش‌های اجتماعی استفاده می‌شود. این مفهوم از کار اروینگ گافمن گرفته شده است. از نظر گافمن، چارچوب‌ها «طرحواره‌های تفسیر» را نشان می‌دهند و افراد را قادر می‌سازد «مکان‌یابی، درک، شناسایی و برجسته‌سازی» رخدادها را در فضای زندگی داشته باشند. چارچوب‌ها به سازماندهی تجربه و هدایت کنش منجر می‌شوند. چارچوب‌های کنش جمعی نیز این عملکرد را با ساده‌سازی «دنیای بیرون» انجام می‌دهند (Snow و Benford، ۱۹۸۸).

در حوزه محیط‌زیستی چارچوب‌بندی، تفسیرهای منازعه‌کنندگان از یک مساله محیط‌زیستی و چگونگی حل آن است. این چارچوب‌ها به فرایند ساختن و بازنمایی تفاسیر ما از دنیای اطرافمان اشاره دارند. پنج نقش مهم چارچوب‌بندی در مناقشات محیط‌زیستی عبارت است از: تعریف مسائل؛ شکل دادن به اینکه چه اقداماتی و توسط چه کسانی انجام شود؛ حمایت از مناقشه‌کنندگان؛ توجیه مواضع خاص در مسائل محیطی و بسیج مردم برای انجام یا خودداری از اقدام در مورد مسائل (Gray، ۲۰۰۲). چارچوب‌ها عموماً کنش‌محور بوده و الهام‌بخش جنبش‌ها و کمپین‌های اجتماعی هستند. این نوع چارچوب‌ها

بسیاری از صاحب‌نظران از پژوهش‌های چارچوب‌بندی جنبش‌ها به دلیل عدم توجه به محدودیت‌هایی که فرهنگ بر این چارچوب‌ها تحمیل می‌کند، انتقاد می‌کنند و معتقدند چارچوب‌بندی فرآیندی پویا است که در خلاء ساختاری یا فرهنگی اتفاق نمی‌افتد بلکه تحت تأثیر عناصر بافت اجتماعی- فرهنگی جامعه مثل فرصت‌ها و محدودیت‌های سیاسی و فرهنگی و همچنین مخاطبان هدف قرار می‌گیرد (Snow و Benford، ۲۰۰۰). فرهنگ برای حل مسائل مختلف، راه‌حل‌های مختلفی ارائه می‌دهد. در بسیاری از جوامع، حافظان محیط‌زیست، مدافعان فرهنگ و تغییرات اجتماعی هستند. آنها از مردم می‌خواهند شیوه‌های درک، ارزش‌ها و کاربری‌شان را تغییر دهند (فروتن‌کیا و نواج، ۱۳۹۷).

مرور پیشینه پژوهش، مطالعاتی را در این حوزه نمایان می‌سازد. نتایج ضابطیان و موسوی (۱۴۰۰) در بررسی سازوکارهای بر ساخت مسائل محیط‌زیستی در جنبش تونل بهشت‌آباد نشان می‌دهد، رهبران جنبش با به کارگیری تاکتیک‌ها و چارچوب‌های اقتصادی، محیط‌زیستی، قانونی و بی‌عدالتی توانستند حمایت وسیعی در سطح مسئولان و مردم جلب کنند. Burningham (۱۹۹۸) در مطالعه موردی مساله آلودگی صوتی یک جاده تازه ساخته شده، نشان داد مدعیان در بر ساخت این مساله به مشکلی مثل صدا تاکید می‌کنند که در سال‌های مقارن با جنبش مذکور، به یک نگرانی عمده تبدیل شده و دولت آن را به‌عنوان یک آلاینده محیطی می‌شناخت. بنابراین تمرکز بر این مساله در چارچوب ارائه شده، شانس موفقیت آنها را در منازعات افزایش داد. Schroeder (۲۰۱۵) معتقد است سازمان‌های غیردولتی چینی که روی تغییرات آب و هوا کار می‌کنند، منحصراً از رویکردهای هماهنگ با دولت برای سیاست‌ها و فعالیت‌های خود بهره می‌برند. وی بر سه قانون غیررسمی این سازمان‌ها در ارتباط با دولت اشاره می‌کند: احترام به اقتدار دولت، ایجاد ارتباطات اجتماعی و کسب وجهه بین مقامات دولتی. Hanke و همکاران (۲۰۰۲) در بررسی نقش چارچوب‌بندی در مناقشات محیط‌زیستی بیان می‌کنند مدعیان مختلف با استفاده از چارچوب‌هایی همچون ریسک، مدیریت تضاد، قدرت و نگرش به طبیعت، سعی در متقاعد کردن مردم و پیروزی ادعای خود دارند. از بین این چارچوب‌ها، نگرش به طبیعت که با نگرش اکثریت افراد جامعه هدف و سیاست‌گذاران هماهنگ‌تر است، بیشترین توجه را کسب کرد. Buijs (۲۰۰۹) به بررسی اعتراضات سازمان‌های غیردولتی و مردم محلی هلند به ساختن سد پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد در مقابل چارچوب امنیت که سازمان مدیریت رودخانه‌ها مطرح می‌کند، سه چارچوب عمده دیگر توسط افراد ذی‌نفع مطرح می‌شود، شامل: چارچوب دلبستگی که به حفظ ظاهر منطقه، چارچوب طبیعت جذاب که به زیبایی منطقه و چارچوب روستایی که به

حفظ روستاهای منطقه تاکید دارند. از بین آنها بیشترین توفیق با چارچوب روستایی است که با درصد بزرگتری از ذی‌نفعان هماهنگ است. Qiaoan (۲۰۱۸) در مطالعه نقش هماهنگی در حمایت از سیاست‌های سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی در چین نشان داد که کاربرد نمادهای فرهنگی مورد قبول دولت توسط این سازمان‌ها، منجر به همسویی دولت با آنها و پذیرش برنامه‌هایشان توسط مخاطبین شده و هماهنگی چارچوب‌ها و تاکتیک‌های آنها با جامعه، کلید موفقیتشان است.

مرور پیشینه داخلی نشان می‌دهد، در ایران پژوهش‌های اجتماعی چندانی در زمینه اهمیت چارچوب‌بندی‌های مدعیان و رزونانس آنها با جامعه هدف، در حل مسائل محیط‌زیستی انجام نشده است. تحقیق حاضر برای پر کردن بخشی از خلاء موجود، به مسائل محیط‌زیستی در استان گیلان با رویکرد چارچوب‌بندی می‌پردازد. یکی از مسائل محیط‌زیستی مهم در استان گیلان مشکلات مربوط به تالاب انزلی است.

تالاب انزلی از تالاب‌های مهم ثبت شده در کنوانسیون بین‌المللی رامسر است. تالاب‌هایی که بنا به عوامل مختلف از جمله مخاطرات طبیعی یا فعالیت‌های انسانی در معرض نابودی قرار می‌گیرند، از فهرست رامسر حذف شده و به فهرست موسوم به مونترو^۱ وارد می‌شوند. با ورود یک تالاب به این فهرست، غالباً سایر اعضای کنوانسیون رامسر برای بهبود وضع چنین تالابی، اقدامات فوری انجام می‌دهند (طلایی و دریادل، ۱۳۹۴). از سال ۱۹۹۳ میلادی (۱۳۶۹ شمسی) تالاب انزلی در کنواسیون رامسر به‌عنوان تالاب آسیب‌دیده و در معرض خطر (مونترو) معرفی شده است (صالحی و غلامدوست، ۱۳۹۲).

در حال حاضر، تالاب انزلی دچار مشکلات متعددی است. حجم بالای رسوبات تالاب و در نتیجه کاهش عمق و خشک شدن بخش‌های وسیعی از آن، یکی از معضلات اساسی تالاب انزلی است. بعد از فراخوان سازمان حفاظت محیط‌زیست، طرح‌های مختلفی برای رفع آن ارائه شد. از جمله آنها طرح رسوب‌زدایی مکانیکی به روش لایروبی (از پروژه‌های طرح جامع مدیریت تالاب انزلی که در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ توسط آژانس جاتیکا تهیه شد) و طرح رسوب‌زدایی با مواد شیمیایی با نام بایوجمی است. طرح بایوجمی بعد از پذیرفته شدن در سال ۱۳۹۴، در جریان اجرای مراحل اولیه آزمایشی در بخش‌هایی از تالاب انزلی، به دلیل اعتراضات مخالفین در سال ۱۳۹۸ متوقف شد.

باتوجه به آنچه که در مبانی نظری و تجربی بیان شد، پژوهش حاضر به دنبال بررسی میزان هماهنگی طرح بایوجمی با جامعه هدف در مقایسه با چارچوب‌های مبتنی بر شیوه‌های مکانیکی می‌باشد. پرسش اصلی که مقاله به آن جواب می‌دهد این است که رزونانس چارچوب‌های رسوب‌زدایی تالاب انزلی با جامعه هدف چقدر در میزان پذیرش آنها در بین ذی‌نفعان موثر است؟

با ۳۰ نفر از فعالین محیط‌زیستی مشارکت‌کننده در جنبش ضدبایوجمی و مطلعین پروژه‌های رسوب‌زدایی تالاب انزلی است. نمونه انتخابی شامل زنان و مردان ۳۰ تا ۷۵ ساله با سطح تحصیلات کارشناسی تا دکتری است که به طور آزاد یا از طریق عضویت در سازمان‌های غیردولتی به فعالیت‌های محیط‌زیستی می‌پردازند. برای انتخاب آنها از نمونه‌گیری هدفمند زنجیره‌ای یا گلوله برفی استفاده می‌شود. در این روش نمونه‌ای از افراد انتخاب می‌شوند که اطلاعات مهمی در زمینه موضوع تحقیق دارند (ایمان، ۱۳۹۱). مصاحبه‌ها در مدت ۶ ماه از بهار تا پاییز ۱۴۰۲ به طول انجامید. اطلاعات دقیق از پروژه بایوجمی از طریق اسنادی که در قالب مصاحبه با مجریان و گزارش‌های شیوه اجرای آن موجود بود، به دست آمد.

نتایج و بحث

نتایج تحلیل به کمک جدول، نقل قول‌هایی از مشارکت‌کنندگان و تفسیر آنها ارائه می‌شود.

۱- شبکه مضمونی چارچوب‌های حل رسوبات تالاب انزلی در جدول (۱) تم‌ها و مضامین حاصل از مصاحبه‌ها، که بیانگر چارچوب‌های ارائه شده توسط مدعیان محیط‌زیست برای حل مساله رسوبات تالاب انزلی است، مشاهده می‌شود.

برای انجام پژوهش حاضر از روش کیفی و رویکرد تحلیل مضمون بهره گرفته شده است. تحلیل مضمون هم روشی برای تحلیل داده‌ها و هم یک روش مستقل برای پژوهش است (Braun و Clarke، ۲۰۰۸). این رویکرد شامل بررسی الگوهای معنایی است که از داده‌ها به دست می‌آید. پس از رونویسی داده‌هایی مثل مصاحبه، آنها بر اساس مضامین و زیرمضامین کدگذاری می‌شوند (Silverman، ۱۹۹۳). مضامین برآمده از فرآیند کدگذاری برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و بازتاب چگونگی ارتباط این موضوعات با مبانی نظری استفاده می‌شود.

تحلیل مضمون، روشی است برای: الف- دیدن متن؛ ب- برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب؛ ج- تحلیل اطلاعات کیفی؛ د- مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ و ه- تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (Boyatzis، ۱۹۹۸). Braun و Clarke (۲۰۰۸) و عابدی جعفری و همکاران (۱۳۹۰) در آثار خود فرایند گام به گام تحلیل مضمون را به وضوح ذکر کرده‌اند. مضامین را می‌توان با روش استقرایی (مبتنی بر داده) و روش قیاسی (مبتنی بر نظریه) شناخت (Patton، ۱۹۹۰). در این پژوهش، مضامین به هر دو روش استخراج شد. داده‌های پژوهش، حاصل مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت‌یافته،

جدول ۱- شبکه مفهومی چارچوب‌های ارائه شده برای مساله رسوبات تالاب انزلی

مفهوم مرتبط	کدهای اولیه	تم پایه	تم سازمان‌دهنده	تم فراگیر
چارچوب‌بندی مساله رسوبات تالاب انزلی	انباشت لجن و رسوبات موجود در تالاب انزلی، ورود سموم و کودهای کشاورزی از مزارع بالادست، طرح پالایش تالاب انزلی تحت عنوان پروژه زیست‌پالایی بایوجمی، کاهش رسوبات و افزایش عمق آب، معلق شدن رسوبات این استخرها در آب و تبدیل به خوراک ماهی‌ها، افزایش ۳۰ سانتیمتر در عمق آب، مواد بایوجمی شامل نانو دی‌اکسید تیتانیوم و نانو کلرید نقره، عملکرد رسوب‌زدایی در مجاورت با اشعه ماوراء بنفش نور خورشید، خروج رسوبات از طریق جریان‌های سیلابی به سمت دریا	تعریف مساله، علل و راه‌حل‌های آن	چارچوب‌بندی رسوب‌زدایی به کمک پروژه بایوجمی	چارچوب‌های رسوب‌زدایی
	بحران تالاب انزلی بیشتر ناشی از فعالیت‌های انسانی و توسعه شهری است، کاهش سطح آب دریای خزر، ورود فاضلاب‌ها و پسماندها و خاک از مناطق بالادست، ورود عمدی یا سهوی گونه‌های بیگانه، برنامه‌های بلندمدت با تاثیرات دائمی، کمک ساکنان و افراد بومی، ترویج رفتارهای محیط‌زیستی در ارتباط با تالاب، لایروبی فیزیکی و کاهش آلاینده‌ها از بالادست، ایجاد تصفیه‌خانه برای تصفیه آب‌های ورودی به تالاب، کمک به بازگشت توان بالقوه زیست‌پالایی تالاب، طراحان داخلی و مطالعه دقیق و عمیق قبل از هر اجرایی، حمایت دولت	تعریف مساله، علل و راه‌حل‌های آن	چارچوب‌بندی ضدبایوجمی و مبتنی بر لایروبی مکانیکی	

۱-۱- چارچوب رسوب‌زدایی به کمک پروژه بایوجمی

مجری بایوجمی مدعی است که با استفاده از تکنولوژی‌های نوین، احیای تالاب تسریع می‌شود.

تعریف مساله، علل و راه‌حل‌های آن: مجریان این طرح عامل اصلی رسوبات در تالاب انزلی را سموم و کودهای کشاورزی وارد شده به تالاب، از مزارع بالادست برشمردند که باعث انباشت لجن در این تالاب شده است. در این پروژه موادی متشکل از نانو دی‌اکسید تیتانیوم و نانو کلرید نقره به حجم ۶۰۰۰۰ لیتر وارد تالاب می‌شود. عملکرد این مواد به این صورت است که در مجاورت با اشعه ماوراءبنفش نور خورشید، رسوبات تالاب تجزیه می‌شوند. بخشی از آن خوراک ماهی‌ها شده و بخش عمده هم با جریان‌های سیلابی وارد دریا می‌شوند. نتیجه این فرایند افزایش عمق تالاب و در نتیجه افزایش خودپالایی آن است. شرکت مجری مدعی است اجرای پایلوت آن در استخرهای پرورش ماهی شیلات موفق بوده و به همین دلیل عمق آب افزایش یافته است.

«مهرماه ۱۳۹۷ مدیر کل وقت محیط‌زیست، طرح احیای تالاب انزلی که فاز اول آن پاک‌سازی رسوبات آلی بود را افشاء کرد. تا مدت‌ها پس از اعلام این خبر هیچ کس از نحوه اجرای این طرح اطلاع نداشت. تا اینکه از لایه‌لای اخبار پای یک شرکت اصفهانی به گیلان باز شد. شرکت نانو صنعت پرشیا استفاده از نانوذرات دی‌اکسید تیتانیوم و کلرید نقره موسوم به بایوجمی را برای حل معضل رسوبات تالاب موثر و کلید حل مشکل دانست. سمی بودن نقره آزاد شده در این فرایند در محیط زنده تالاب می‌توانست خطرناک‌تر از دی‌اکسید تیتانیومی باشد که در این مواد یافت می‌شد. طرح، ابتدا به صورت آزمایشی در استخرهای پرورش ماهی شیلات انزلی اجرا شد و در مرحله نهایی قرار شد در ۲۰۰ هکتار از بخش مرکزی سرخانکل در چهار بخش مجزا ۵۰ هکتاری کرت‌بندی شده اجرا شده و بعد از آن نیز در کل تالاب اجرا شود. قرار بود ۶۰ هزار لیتر معلول بایوجمی در تالاب ریخته شود که با دستور قضایی پس از ریخته شدن ۱۲ هزار لیتر، در بخش‌های پایلوت، پروژه متوقف شد.» (صابر، کارشناسی ارشد).

۲-۱- چارچوب ضدبایوجمی و مبتنی بر لایروبی مکانیکی

یکی از فعالیت‌های فعالین محیط‌زیستی، عملکردشان در ارتباط با تالاب انزلی از جمله فرهنگ‌سازی، آموزش و اقدامات عملی برای پاک‌سازی تالاب، است.

تعریف مساله، علل و راه‌حل‌های آن: فعالین محیط‌زیست و جنبش ضدبایوجمی در پاسخ به سوال مربوط به مهمترین بحران‌های تالاب انزلی، اشاره می‌کنند تالاب انزلی بعد از ثبت در کنوانسیون رامسر در سال ۱۳۵۴ (۲۳ ژوئن ۱۹۷۵)، با پیدایش نشانه‌های تخریب از لیست رامسر خارج شده و در فهرست مونترو یعنی تالاب‌های در معرض انقراض قرار گرفت. آنها برای حل مساله رسوبات تالاب و سایر معضلات آن، به برنامه‌های بلندمدت تاکید داشته و معتقد هستند بهترین کار برای کاهش رسوبات، لایروبی فیزیکی و کاهش آلاینده‌هایی است که از بالادست وارد این تالاب می‌شود.

«بخش بزرگی از مشکل رسوبات تالاب انزلی به دلیل ورود آلاینده‌ها از مناطق بالادست است. رسوب‌گذاری بحران بزرگی است که درعین حال که خود معلول ورود آلاینده‌ها و استفاده نادرست از آن است، علت ایجاد مشکلات دیگری در این تالاب می‌شود که یکی از مهمترین آنها خشکی تالاب و ایجاد شرایط غیرقابل بقاء برای زیست‌مندان به دلیل کمبود شدید اکسیژن است. برای مبارزه با این بحران و کاهش میزان رسوبات تالاب، بهترین راه‌حل منع ورود آلاینده‌ها است که بخشی از آن از طریق استفاده صحیح ساکنان از تالاب و نریختن زباله در آن قابل انجام است. ولی بخش عمده از طریق جلوگیری از ورود آلاینده‌هایی مثل فاضلاب‌ها و مواد آلی از بالادست است. راه‌حل اول اقدامی بلندمدت اما بسیار اثرگذار است که از طریق فرهنگ‌سازی و آموزش انجام می‌شود و بخش دوم از طریق ایجاد چند تصفیه‌خانه برای تصفیه آب‌های ورودی به تالاب است.» (سعید، دکتری)

۲- شبکه مضمونی رزونانس چارچوب‌های ارائه شده

جدول (۲) مضامین مستخرج از داده‌ها را در ارتباط با رزونانس چارچوب‌های حل مساله رسوبات تالاب انزلی نشان می‌دهد.

جدول ۲- شبکه مفهومی هماهنگی چارچوب‌ها با زمینه فرهنگی و اجتماعی و سیاسی جامعه

مفهوم مرتبط	کدهای اولیه	تم پایه	تم سازمان‌دهنده	تم فراگیر
هماهنگی چارچوب‌ها با زمینه فرهنگی و اجتماعی جامعه	پرهزینه بودن طرح، به خطر افتادن معیشت ساکنان منطقه، نابودی گونه‌های جانوری و گیاهی تالاب، بیماری تدریجی در کل منطقه و زیست‌مندان آن، تالاب انزلی در لیست تالاب‌های مونترو، مضر بودن نانوذرات تیتانیوم برای انسان و آبزیان، آلودگی زنجیره غذایی وابسته به تالاب، اجرای پروژه بایوجمی بدون مجوز و ارزیابی محیط‌زیستی	اعتبار اقتصادی، محیط‌زیستی و قانونی	چارچوب‌بندی مبتنی بر اجرای پروژه بایوجمی	رزونانس چارچوب‌ها
	عدم موافقت سازمان‌ها و انجمن‌های محیط‌زیستی ملی و بین‌المللی، مخالفت آژانس بین‌المللی جائیکا و کنوانسیون رامسر، مخالفت فراکسیون محیط‌زیست مجلس، مخالفت اداره محیط‌زیست شهرستان انزلی و چند شهر دیگر در استان گیلان، مخالفت شورای شهر، مخالفت دادستان، مخالفت رئیس قوه قضائیه	ارتباط با مخاطبان	پیوند با سیاست‌گذاران	رزونانس چارچوب‌ها
	مخالفت دانشمندان و اعضای هیات علمی، مخالفت ساکنان منطقه، مخالفت گروه‌ها و سازمان‌های محیط‌زیستی، مخالفت مسئولان محلی و ملی	ارتباط با مخاطبان	ارتباط با مخاطبان	رزونانس چارچوب‌ها
	رفع بحران‌های موجود در تالاب انزلی تنها به کمک افراد آشنا به تالاب و با کمک مردم منطقه، توجه به سلامت ساکنان منطقه و زیست‌مندان، توجه به منبع درآمد مردم جامعه هدف، معیار قرار دادن توجه به تالاب، شهر و منطقه و کل کشور	اعتبار چارچوب	اعتبار چارچوب	چارچوب‌بندی مبتنی بر لایروبی
	حمایت دادستان شهرستان انزلی، حمایت امام جمعه انزلی، حمایت رئیس اداره محیط‌زیست، حمایت شورای شهر انزلی و برخی از شهرهای دیگر استان گیلان، حمایت رئیس قوه قضائیه	پیوند با سیاست‌گذاران	پیوند با سیاست‌گذاران	چارچوب‌بندی مبتنی بر لایروبی
	حمایت دانشمندان و اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها، حمایت مردم و ساکنان منطقه، حمایت مسئولان محلی و ملی	ارتباط با مخاطبان	ارتباط با مخاطبان	چارچوب‌بندی مبتنی بر لایروبی

۱-۲- رزونانس چارچوب پروژه بایوجمی

اعتبار اقتصادی، محیط‌زیستی و قانونی: عموماً طرح‌هایی که به لحاظ سوددهی، قابل توجه نباشند در مرحله سیاست‌گذاری مورد توجه قرار نمی‌گیرند. بنابراین استدلال‌های مالی برای بی‌اعتبار ساختن آنها آوازه بالایی یافته و تاثیرگذاری آنها افزایش می‌یابد.

«طرح جامع حفاظت از تالاب انزلی در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ توسط آژانس جائیکا در ایران تهیه شد. طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ فاز اول طرح مدیریت اکولوژیک تالاب انزلی اجرا و فاز دوم از سال ۲۰۱۵ آغاز و قرار بود تا تابستان ۲۰۱۹ ادامه داشته باشد. اگر چه این طرح به طور کامل اجرایی نشد ولی به نتایج خوبی رسیدند. اما به یکباره در سال ۱۳۹۷ برای اجرای طرح بایوجمی، علی‌رغم اینکه در فاز اول قرارداد ۹۰۰ میلیارد تومانی منعقد شده بود، مدیران شرکت مجری مدعی بودند که نسبت به جائیکا، تکنیک اقتصادی و ارزان قیمتی را برای رسوب‌زدایی تالاب انزلی پیشنهاد داده‌اند.» (ایمان، دکتری)

«تالاب انزلی منبع بزرگ غذایی برای ساکنین و همچنین محلی برای فعالیت‌های اقتصادی و تامین‌کننده وسیله امرار معاش جمعیت زیادی از ساکنین اطراف را تشکیل می‌دهد. با این مواد ناشناخته‌ای که قرار بود در آب خالی کنند و هیچوقت هم دقیقاً اعتراف به آن نکردند، معلوم نیست تا چند سال دیگر چه بلایی بر سر تالاب و ساکنان منطقه می‌آید.» (ریحانه، دکتری)

بی‌اعتباری پروژه بایوجمی از جهت محیط‌زیستی، با اتکاء به سخنان و اسناد علمی صاحب‌نظران محیط‌زیستی داخل و خارج از کشور آشکار شد. این اسناد به غیرمحیط‌زیستی و ضد محیط‌زیستی بودن بایوجمی تاکید داشته و ادعای خود را بر تحقیقات علمی مستند کرده بودند.

«در یکی از اسنادی که جمع‌آوری کردیم به نقل از پروفیسور جلال پوراحمد جکتاجی، مدیر گروه سم‌شناسی دانشکده داروسازی دانشگاه شهید بهشتی درباره اثرات مخرب تیتانیوم که ماده اصلی بایوجمی را تشکیل می‌دهد، آمده: تالاب انزلی زیستگاه گیاهان و آبزیان متعددی است که در معرض مسمومیت این فلز قرار خواهند گرفت. پرنده‌گانی که از آبزیان تالاب تغذیه می‌کنند و انسان‌هایی که از ماهیان آن استفاده می‌کنند، بخشی از زنجیره غذایی وابسته به تالاب هستند.» (محمد، کارشناسی ارشد)

از نظر قوانین محیط‌زیست، اجرای پروژه‌های محیط‌زیستی، باید مجوز و ارزیابی محیط‌زیستی داشته باشد. منتقدین بایوجمی معتقد هستند که این طرح ارزیابی‌ها و مجوزهای قانونی را ندارد.

«طبق اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی، محیط‌زیست متعلق به همگان است و هیچکس حق ندارد تغییرات جبران‌ناپذیری در آن ایجاد

کرده و مسبب آلودگی آن شود. قوانین حفاظت از تالابها هم به صراحت اعلام کرده که گونه‌های غیربومی و مواد شیمیایی ناشناخته و آلوده‌کننده را نباید درون تالابها ریخت.» (صابر، کارشناسی ارشد)

پیوند با سیاست‌گذاران: مراکز چون آژانس بین‌المللی جئیکا و کنوانسیون رامسر طی نامه‌ای به سازمان محیط‌زیست، مخالفت خود را با اجرای بایوجمی اعلام کردند. فراقسیون محیط‌زیست مجلس، اداره محیط‌زیست شهر انزلی و چند شهر دیگر در استان گیلان، شورای شهر، دادستان وقت انزلی و رئیس قوه قضائیه نیز مخالفت خود را با اجرای آن اعلام کرده و خواستار توقف آن شده‌اند.

«دادستان انزلی بر اساس مستندات علمی که دوستان ما در اختیارش قرار دادند، دستور توقف آن را داد. دادستان کل کشور هم اعلام کرد دستگاه قضایی قاطعانه بر این تصمیم خواهد ایستاد و تا زمانی که همه ابعاد مساله روشن نشود، اجازه ادامه پروژه داده نخواهد شد.» (میلاد، کارشناسی)

ارتباط با مخاطبین: یک مساله اجتماعی در وهله اول زمانی خلق می‌شود که مخاطبین آن را باور کرده و بر ساخت شدن آن را حمایت کنند. هائیکان معتقد است حمایت مخاطبان نه تنها نشان‌دهنده خیزش مساله است بلکه منبع ارزشمندی برای جلب توجهات سیاسی به شمار می‌آید. جریان آراء عمومی می‌تواند ادعا را در حد دستور کار سیاسی، ارتقاء دهد (هائیکان، ۱۳۹۸). مخالفان پروژه بایوجمی شامل تعداد زیادی از دانشمندان و اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها و همچنین ساکنان منطقه بود که زندگی بخش زیادی از آنها وابسته به تالاب انزلی است.

«مردم عادی و صاحبانظران محیط‌زیست از ما حمایت می‌کردند. هرچه افراد بیشتری را با خود همراه می‌کردیم، به موفقیت نزدیکتر می‌شدیم. در بین مردم طرفداران زیادی داشتیم که نامه اعتراض به بایوجمی را امضاء کردند. دادستان نیز برایش خیلی مهم بود که زندگی مردم به مخاطره نیافتد و می‌گفت با تمام توان پشت خواسته مردم می‌ایستد.» (آرمان، کارشناسی ارشد)

۲-۲- روزنانس چارچوب ضدبایوجمی و کاربرد روش‌های مکانیکی

اعتبار چارچوب: کنشگران محیطی مخالف با طرح بایوجمی معتقد هستند رفع بحران‌های موجود در تالاب انزلی، تنها به کمک افراد آشنا به تالاب و مردم منطقه امکان‌پذیر است. یکی از مهمترین نکات مورد تاکید این است که اجرای هر برنامه‌ای در تالاب انزلی نباید زیانی را متوجه ساکنان منطقه و زیست‌مندان تالاب کند. تایید روش‌های مکانیکی و تصفیه آب‌های ورودی توسط متخصصان محیط‌زیستی دلیل دیگری بر اعتبار این چارچوب است.

«از جمله مخالفان اجرای طرح بایوجمی، پژوهشکده علوم‌زیستی دانشگاه

شهید بهشتی بود. دکتر عبدلی، متخصص اکولوژی دریایی، معاون دانشکده و کارشناسان آن معتقد بودند اجرای این طرح باعث صدمه به تالاب خواهد شد. علاوه بر این تا زمانی که آلاینده‌های تالاب همچنان برقرار است، کارایی ندارد. هنوز تصفیه‌خانه شهرهای رشت و بندرانزلی راه‌اندازی نشده است و در سال بیش از ۴۰ میلیون متر مکعب فاضلاب به تالاب سرازیر می‌شود. برای حل مشکل رسوبات تالاب بهترین کار احداث تصفیه‌خانه در محل‌های ورود آب آلوده به تالاب است. با بودجه‌ای که برای طرح بایوجمی در نظر گرفته شده است، می‌توان به اندازه کافی از این تصفیه‌خانه‌ها احداث کرد و مشکل رسوبات تالاب را ریشه‌ای حل کرد.» (رضا، کارشناسی ارشد)

پیوند با سیاست‌گذاران: کنشگران محیطی مخالف طرح بایوجمی برای آنکه بتوانند مساله مورد ادعای خود را در دستور کار سیاست‌گذاری قرار دهند، لازم است مورد حمایت مقامات و نهادهای صاحب‌نظر در امر سیاست‌گذاری قرار گیرند تا ادعای آنها را در عرصه سیاسی مطرح کرده و از آن دفاع کنند. این مقامات و نهادها که در رویکردهای برساخت‌گرایی مسائل اجتماعی تحت عنوان کارآفرینان سیاست‌گذاری خوانده می‌شوند، در تلاش مدعیان برای دستیابی به سیاست موافق با مساله ادعا شده خود، نقش محوری دارند. در ارتباط با مساله بایوجمی، دو گروه از کارآفرینان سیاست‌گذاری در مناقشات مربوط به تصمیم‌گیری نقش داشتند که عبارتند از: مسئولین محلی و مسئولین ملی و فراملی. دادستان شهرستان انزلی نقش مهمی در رساندن موضوع بایوجمی به دستور کار سیاسی ایفا کرد. امام جمعه انزلی نیز به عنوان شخصیتی کارزماتیک در جبهه مخالفان بایوجمی قرار داشت و در خطبه‌های نماز جمعه، افراد و مسئولین را به مقابله با بایوجمی فرا می‌خواند. رئیس اداره محیط‌زیست و شورای برخی از شهرهای استان نیز به عنوان شخصیت‌های سیاسی تاثیرگذار، از توقف پروژه بایوجمی حمایت می‌کردند. علاوه بر مسئولان محلی، برخی از شخصیت‌های تاثیرگذار در سیاست‌گذاری مثل رئیس قوه قضائیه، ستاد نانو کشور و نهادهای بین‌المللی چون انجمن جئیکا و کمیسیون بین‌المللی رامسر نیز مخالف بایوجمی بودند. پیوند با صاحبان قدرت یکی از اهرم‌های اساسی است که مخالفان بایوجمی برای رسیدن به مطالبات خود به کار می‌گیرند. پذیرش پروژه بایوجمی و اجرای آغازین آن در تالاب انزلی نیز به دلیل حمایتی بود که مجری آن از طرف سازمان حفاظت محیط‌زیست دریافت می‌کرد. بنابراین دستیابی به حمایت صاحبان قدرت در سیاست‌گذاری‌ها به مخالفان بایوجمی نیروی برابر برای مقابله عطا کرد.

«شرکت مجری طرح ادعا می‌کرد که انجمن جئیکا نیز با طرحشان موافق است. درحالی‌که با پیگیری‌های که ما انجام دادیم مشخص شد که مراکز ملی مثل ستاد نانو کشور و مراکز بین‌المللی مثل انجمن جئیکا مخالف بایوجمی بودند و از سال‌ها قبل که مطالعات مقدماتی برای اجرای این طرح انجام می‌شد، این مراکز مخالفت خود را با آن اعلام کرده بودند.» (مهتاب، دکتری)

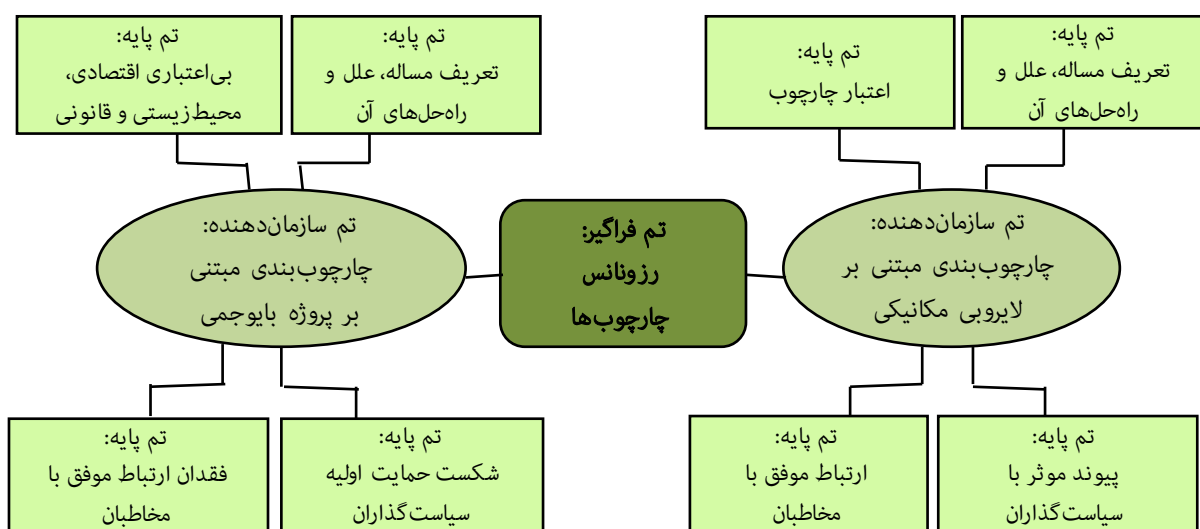
ارتباط با مخاطبان: برقراری تعامل فعالین جنبش ضدبایوجمی با مخاطبین به ویژه در سطح استان از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی فراهم بود. مخاطبان علاوه بر قدرتشان از لحاظ کمی، از جهت کیفی یعنی توان علمی نیز، بر روی موفقیت ادعا تاثیرگذار بودند.

«در طول سال‌هایی که در آن‌جا فعالیت می‌کنیم اعتماد زیادی در بین مردم کسب کردیم. از هر کسی که می‌خواستیم طومار مخالفت علیه بایوجمی را امضاء کند، بی‌درنگ این کار را می‌کرد. از دوستان علمی خود هم که درخواست می‌کردیم در مناظرات شرکت کنند، همگی می‌پذیرفتند.» (محمود، کارشناسی ارشد)

هانیکان معتقد است برای اینکه ادعاهای محیط‌زیستی توجه مردم را به خود جلب کنند باید چهار ویژگی منحصر به فرد

بودن، مرتبط بودن، آوازه و آشنایی را دارا باشند (هانیکان، ۱۳۹۸). در مورد توقف طرح بایوجمی می‌توان این ویژگی‌ها را مشاهده کرد. ادعا مربوط به تالاب انزلی است که به لحاظ ویژگی‌های زیستی و اکولوژیکی، کاملاً متمایز از تالاب‌های مشابه است. علاوه بر آن عناوینی چون تالاب بین‌المللی و قرار گرفتن در لیست مونتره برای ایجاد یک هویت متمایز به آن چسبیده است. ویژگی مرتبط بودن نیز بیانگر اهمیت بالای تالاب انزلی برای ساکنان منطقه، استان و حتی کشور است. بین‌المللی بودن تالاب انزلی نشان بر آوازه آن و در نهایت ویژگی آشنایی که نشان از شناخته شده بودن یک پدیده در بین مخاطبان است، در آن قابل احراز است.

مضامین مستخرج از یافته‌ها و ارتباط آنها به شکل نقشه مضمونی (شکل ۱) قابل ترسیم است.



شکل ۱- نقشه مضمونی رزونانس چارچوب‌بندی‌های ارائه شده برای رسوب‌زدایی تالاب انزلی

بین ذی‌نفعان به دست نیامد، بلکه به دلیل عدم حمایت از طرف سیاست‌گذاران، در مرحله رقابت‌های منازعاتی از دور خارج شد. دلیل اصلی توقف این طرح عدم هماهنگی و به عبارت بهتر رزونانس آن با جامعه هدف بود. از طرف دیگر جنبش ضدبایوجمی از آنجا که هدف اصلی خود را در وهله اول حفظ سلامت انسان‌ها و سایر موجودات تالاب دانسته و از طرف دیگر بهترین شیوه رسوب‌زدایی تالاب را استفاده از روش‌هایی فیزیکی می‌داند، که نتایج دائمی در رسوب‌زدایی تالاب انزلی به دنبال دارند، پذیرش بیشتری در بین مخاطبین کسب می‌کند. علاوه بر آن برقراری ارتباط با تصمیم‌گیرندگان محیط‌زیستی، اعتبار جنبش ضدبایوجمی را افزایش می‌دهد. درک رزونانس چارچوب‌بندی ارائه شده برای مشکلات تالاب انزلی با جامعه

نتیجه‌گیری

در جنبش توقف طرح بایوجمی، دو نوع چارچوب در ارتباط با رسوبات تالاب انزلی وجود دارد. ادعای رسوب‌زدایی با روش بایوجمی و ادعای ضدبایوجمی به دلیل مخاطراتی که برای تالاب و ساکنان منطقه دارد. پروژه بایوجمی به دلایلی چون غیربومی بودن مجریان آن و عدم شناخت دقیق آنها از منطقه و همچنین وجود ابهاماتی که در زمینه مواد مورد استفاده در این پروژه و مخاطرات آن برای منطقه وجود داشت، مورد تایید و قبول مخاطبین در منطقه قرار نگرفت و مخالفت‌هایی زیادی را به دنبال داشت که در نهایت منجر به توقف آن در مراحل آغازین اجرا شد. چارچوب بایوجمی نه تنها اعتبار کافی را در

هدف، توسط سیاست‌گذاران، در نهایت حمایت آنها را به دنبال داشته است. همواره همراهی قدرت در سطوح کلان با کنش‌های محیط‌زیستی، این نوع کنش‌ها را موثرتر کرده و از این طریق کنشگران موفق به دریافت پاسخ‌های مورد قبول برای مطالبات خود خواهند شد. همانگونه که Jacobsson و Saxonbe (۲۰۱۶) بیان کردند گنجاندن نمادهای فرهنگی و اجتماعی جامعه در استراتژی‌های چارچوب‌بندی توسط رهبران جنبش‌های اجتماعی، حمایت سیاست‌گذاران و صاحبان قدرت تصمیم‌گیری در این زمینه را به دنبال خواهد داشت و این امر در نهایت آنها را به پیروزی در جنبش نزدیک می‌کند. نتایج پژوهش حاضر و انطباق آن با پیشینه ذکر شده، پاسخی مناسب به سوال آغازین پژوهش است. رزونانس یک چارچوب‌بندی را هماهنگی آن با جامعه و سطح سودمندی آن برای ذی‌نفعان یک مساله محیط‌زیستی تعیین می‌کند و هر چقدر این رزونانس بالاتر باشد، پذیرش چارچوب در جامعه هدف بیشتر خواهد بود و واکنش مثبت سیاست‌گذاران را به دنبال خواهد داشت.

پی‌نوشت‌ها

1-The Montreux Record

منابع

ایمان، محمدتقی. (۱۳۹۱). روش‌شناسی تحقیقات کیفی. انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم، ایران.

صالحی، صادق، و غلامدوست اشکیکی، عاطفه. (۱۳۹۲). ارزیابی مدل مدیریت مشارکتی تالاب‌ها از نظر محلی (مطالعه موردی: تالاب انزلی، گیلان). علوم محیطی، ۱۱(۱)، ۱۰۵-۱۱۸.

ضابطیان، بهرنگ، و موسوی، مرضیه. (۱۴۰۰). بررسی سازوکارهای برساخت مسائل محیط‌زیستی (مورد مطالعه: کارزار مردمی توقف تونل بهشت‌آباد). برنامه‌ریزی رفاه توسعه اجتماعی، ۱۲(۴۹)، ۲۱۷-۲۷۴. <https://doi.org/10.22054/qjdsd.2021.57194.2077>

طلایی، فرهاد، و دریادل، احسان. (۱۳۹۴). بررسی چالش‌های تالاب انزلی و راهکارهای رفع آن در چارچوب کنوانسیون رامسر. مجله حقوقی بین‌المللی، ۳۲(۵۲)، ۲۷۷-۳۱۲. <https://doi.org/10.22066/cila-mag.2015.15766>

عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمدسعید، فقیهی، ابوالحسن، و شیخ‌زاده، محمد. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی، ۵(۲)، ۱۵۱-۱۹۸.

فروتن‌کیا، شهباز، و نوح، عبدالرضا. (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی

محیط‌زیست. نشر اندیشه. تهران، ایران.

لوزیک، دانیلین. (۱۳۹۸). نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی. مترجم: سعید معیدفر. نشر امیرکبیر. تهران، ایران.

هانینگن، جان. (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی محیط‌زیست. مترجم: صادق صالحی. نشر سمت. تهران، ایران.

Benford, R. D. (1993). Frame disputes within the Nuclear Disarmament Movement. *Social Forces*, 71 (3), 677-702. <http://dx.doi.org/10.2307/2579890>

Benford, R.D., & Snow, D.A. (2000). Framing processes and social movements. *Annual Review Of Sociology*, 26, 611-639. <http://dx.doi.org/10.1146/annurev.soc.26.1.611>

Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*, Sage Press. London, United Kingdom.

Braun, V., & Clarke, V. (2008). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. <http://dx.doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>

Buijs, A. E., (2009). Public support for river restoration. A mixed-method study into local residents support for and framing of river management and ecological restoration in the Dutch floodplains. *Journal of Environmental Management*, 90, 2680-2689. <https://doi.org/10.1016/j.jenvman.2009.02.006>

Burningham, K. (1998). A noisy road or noisy resident?: a demonstration of the utility of social constructionism for analysing environmental problems. *The Sociological Review*, 46(3), 536-563. <https://doi.org/10.1111/1467-954X.00130>

Crompton, T., & Kasser, T. (2009). *Meeting Environmental Challenges: The Role of Human Identity*. WWF-Panda House Press. London, United Kingdom.

Dunlap, R. E., & Mertig, A. G. (1991). The Evolution of the U.S. environmental movement from 1970 to 1990: An Overview. *society & natural resources*, 4(3), 209-218. <http://dx.doi.org/10.1080/08941929109380755>

Gray, B. (1997). Framing and reframing of intractable environmental disputes. *Research on Negotiation in Organizations*, 6, 163-188.

Gray, B. (2002). Framing of environmental disputes, In R. Lewicki, B. Gray and M. Elliott (eds.), *Making Sense of Intractable Environmental Conflicts: Frames and Cases*. Island Press. Washington, United States.

- Yale University Press. New Haven, United States.
- Qiaoan, R. (2018). Harmony at play environmental ngos policy advocacy china, Civil Society in East Asian Countries. In L. Didvalis (ed.) Civil society in east Asian countries: Contrubutions to democracy, peace and sustainable development, 28 March. 2018. Centre for Asian Studies. Vytautas Magnus University, Kaunas, Lithuania. <https://dx.doi.org/10.7220/978-6094673252>
- Hanke, R., Gray, b., & Putnam, L. (2002). Differential framing of environmental disputes by stakeholder groups. AoM Conflict Management Division 2002 Mtgs, 13171, 1-60. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.320364>
- Jacobsson, K., & Saxonberg, S. (2016). Beyond NGO-ization: the development of social movements in Central and Eastern Europe. Routledge Press. London, United Kingdom.
- Jasper, J. m., & Poulsen, J. D. (1995). Recruiting strangers and friends: Moral shocks and social networks in animal rights and anti-nuclear protests. Social Problems, 42(4), 493-512. <http://dx.doi.org/10.1525/sp.1995.42.4.03x0129y>
- Lewicki, R. J., & Gray, B. (2003). Making Sense of Intractable Environmental Conflicts: Frames and Cases. Island Press. Washington, United States.
- McDonnell, T. E., Bail, C. A., & Tavory, I. (2017). A Theory of Resonance. Sociological Theory, 35(1), 1-14. <http://dx.doi.org/10.1177/0735275117692837>
- Patton, M. Q. (1990). Qualitative evaluation and research methods, California: Sage Press. California, United States.
- Schon, D. A., & Rein, M. (1994). Frame Reflection: Toward the Resolution of Intractable Policy Controversies. Basic Books Press. New York, United States.
- Schroeder, P. (2015). Public Participation in Low-carbon Policies: Climate Change and Sustainable Lifestyle Movements. In A. Fulda (Ed.). Civil Society Contributions to Policy Innovation in the PR China. Environment, Social Development and International Cooperation (pp. 103-122). Palgrave Macmillan Press. London, United Kingdom.
- Silverman, D. (1993). Interpreting Qualitative Data: Methods For Analysing Talk, Text and Interaction. Sagh Press. London, United Kingdom.
- Snow, A., & Bedford, R. (1988). Ideology, Frame Resonance, and Participant Mobilization. International Social Movement Research, 1, 197-218.
- Tarrow, S. (1992). Mentalities, political cultures, and collective action frames: Constructing meanings through action. In A. Morris and C. Mueller (eds.). Frontiers in Social Movement Theory, 174-202. CT: